

ایران



سخن‌روز

پیامبراکرم (ص) فرمود:

فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمت‌های بهشتی مزده داده می‌شود.

بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳



نگاره

عزیمت



رضا بدرالسماء / نقاشی و نگارگر

فضای مجازی

یادداشت یک ناشر دربارۀ انتشار کتاب در محرم، روایت یک فوتبالیست کتابفروش را در فضای مجازی امروز بخوانید.

توفیق انتشار کتاب در ماه محرم

محمد حقی، مدیر انتشارات کتابستان در توئیتش نوشت: «الحمدلله در چند سال اخیر توفیق داشتم که ایام ماه محرم کتاب‌هایی با محوریت امام حسین علیه‌السلام و با عنایت ایشان منتشر کنیم. از روایت عاشورا گرفته تا برادر من تویی. از وسوسه‌های ناتمام تا نشان حسن و عناوین دیگر. امسال هم توفیق شد و کتاب‌های عاشورایی و غم‌نامه منتشر شد.»

فوتبالیستی که کتابفروش شد

مجتبی جباری، فوتبالیستی که به تازگی یک کتابفروشی دایر کرده، در اینستاگرامش در این باره نوشت: «هر مکان همچون عصاره‌ای است از گذشته که در دلش روایت‌ها و نام‌هایی جمع آمده، یعنی که برای خودش قصه‌ای دارد. قصه مکانی هم که حالا ما در آن گرد آمدیم، ادامه داستان پرفرازونشیب روزهای گذشته است. روزگاری تفرجگاهی ییلاقی بوده، ایامی محل کرد آمدن نامداران فرهنگ و هنر و روزهایی محل تحصیل و کسب علم. و امروز، ما اینجایم تا با همراهی شما چراغ آن روزها را روشن نگه داریم و دنباله‌رو مسیری باشیم که راهش مشخص است و پایان حال پریچ‌وخم، که این بنا از دیرباز محلی برای ارتقای فرهنگ و هنر بوده. با روایت‌هایمان راه را برای هم هموار کنیم.» بیست او در میان اهالی فرهنگ بازتباب زیادی داشته و افرادی چون سهراب پورناظری آن را استوری کرده‌اند.

دغدغه رهبری در نقد اشخاص و چهره‌ها

زهرآ چخماقی، خبرنگار صداوسیما در توئیت نوشت: «در یکی از پنجشنبه‌های تابستان ۹۸ با حدود ۲۰ نفر از معاونت سیاسی صداوسیما به دیدار رهبر رفتم و گفتیم و شنیدیم... رهبر در کنار همه نکات یادآور شدند: «در نقدها تون به اشخاص و چهره‌ها، حواس تون به رعایت ادب و دوری از تمسخر و تحقیر باشه، نقد کنید اما ادب و احترام اصلاً دور نشید.»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول :** محمد حسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)

- آزاده سهرابی (اجتماعی) « بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) « محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرآ کشوری (زیست‌بوم) « سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحهٔ آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول

هنر، لزوماً بازتآب جامعه نیست بلکه زآبیده ذهن هنرمند است

جامعه‌شناسی هنر و سینما فقط بررسی تأثیر جامعه بر هنر یا برعکسش نیست. آنچه در جامعه‌شناسی هنر مغفول مانده تمرکز بر خالقان هنر است. این شاید به خاطر دشواری این امر و عدم همکاری هنرمندان باشد. در برخی جاها بر حساسیت روی قومیت ونژاد، خیلی کار کرده‌اند همین امر باعث شده گاهی اوقات تبعیض مثبت ایجاد شود. ولی در کشور ما این اتفاق رخ نداده، اینجا تصور ما این است که آنچه روی پرده می‌رود یک حقیقت مطلق و جامع از جامعه است و هیچ‌کس روی آن تردید نمی‌کند و نمی‌گوید که آنچه روی پرده رفته یک برساخت اجتماعی و زآبیده ذهن کارگردان و درواقع محدود به قاب ذهن اوست. یکسری چیزها از این قاب بیرون مانده که اینها جای تحلیل دارد. ضمن اینکه برخی با استناد بر این تصاویر این‌گونه قضاوت می‌کنند که وضع جامعه همینطور است که تصویر شده است. فضاهای روشنفکری، جشنواره‌ها و... به برخی چیزها ضریب می‌دهد، برخی چیزها را انکار می‌کند و اثرگذاری فوق‌العاده‌ای دارد. بخشی از صحبت‌های این نویسنده در نشست تخصصی «سینما و خانواده»

کلمه

فهمیدن باید...

داشتم کتابی می‌خواندم. داستانی از یک نویسنده آلمانی. کتابی که ظاهراً خیلی هم مورد پسند مخاطب فارسی‌زبان بوده، چون کمتر اسمی از آن شنیده بودم و البته فاصله بین تجدید چاپ‌هایش هم گواه این ماجراست. داستان درباره مردی است که اشتباه گرفته می‌شود. مردی که از خودبیگانه شده. مردی که فهمیده نشده. مردی که در زمان بودنش کسی نخواستہ ببیندش. به ذهن خورد که فهمیده شدن مهم است. هر قدر اطرافت شلوغ باشد ولی

اگر فهمیده نشوی، باز هم فرقی ندارد. تنهایی! انگار فهمیده شدن با تنهایی رابطه دارد. اینکه متوجه شوندم چه می‌گویی، زبانت را بفهمند و حرفت را فقط گوش نکنند، بلکه متوجه شوند مهم است.

یاد این بیت از غزلی از سعدی افتادم: «هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟/ من در میان جمع و دلم جای دیگر است.» یاد برداشت‌های مرسوم از این بیت و سایر ابیات این غزل افتادم. هر چند سعدی هم در شعرش به «دلبر» و «یار» تصریح کرده ولی من برداشت دیگری دارم. اینکه آدمیزاد می‌تواند در جمع باشد ولی تنها باشد. اینکه حاضر باشد ولی غایب باشد. اینکه دیده نشود. انگار فهمیده نشدن، تنهایی بزرگی است، تا جایی که در جمع باشی و نباشی. شاید تصور شود این هم از آن بلاهای روشنفکری است که گریبان افراد را می‌گیرد ولی چه خوشمان بیاید چه نه، درد بشر بوده که سعدی و دیگران این‌گونه درباره‌اش نوشته‌اند.

حافظ و خیام و دیگران هم درباره این تنهایی و فهم نشدن حرف زده‌اند. هر کدام به زبان خودشان. چیزی که مسأله است همین فهمیده شدن است. فهمیده شدنی که انسان را از کنج غربت و عزلت خارج می‌کند. کتاب‌ها درباره این ماجرا نوشته‌اند و هرکس سعی کرده به قدر توانش درباره آن بنویسد تا شاید کمتر به آن گرفتار شویم. اینکه فقط خودمان را نبینیم و به دیگران هم اجازه حضور بد همیم. آنها را مجبور به غیبت نکنیم. آنها را به کنج نرانیم. طوری نباشد که «خویشتن» آقدر بزرگ شود که مانع تماشای ما شود. خودمان جلوی چشمانمان را بگیرد و دیگر فرصتی برای دیگری باقی نگذاریم. حافظ در غزلی که در مصرع آخرش گفته: «تو خود حجاب خودی حافظ از میان بریزی» بعد از اینکه درباره «عشق» و اینکه فرشته چیزی از آن نمی‌داند حرف می‌زند این مصرع را می‌گوید. ما هم تا وقتی خودمان را ببینیم و فرصتی برای غیر باقی نگذاریم همین است. مهم این است که زندی حافظ را فهم کنیم، وحافظ این زندی را خارج از فهم زاهد می‌داند. در هر صورت ادبیات در سراسر تاریخ خواسته این ماجرا را فریاد بزند. خواسته تنهایی آدم را فریاد بزند. خواسته این فریاد را به گوش همه برساند ولی امان از گوش ناشنیده پند که اگر پند شنیده بودیم تکرار این مضامین کار بی‌فوده‌ای بود، اما از ظاهر ماجرا چنین بر می‌آید که کسی این پند را گوش نگرفته که به قدمت تاریخ ادبیات در شرق و غرب عالم، مضمون تنهایی فهم شده سخن گفته‌اند.

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۵۳۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



غمش در نهالخانه دل نشیند بنیازی که لیلی به محفل نشیند به دنبال محمل چنان زار کبریم که از گریه‌ام نایقه در گل نشیند

طیب‌اصفهانی

نقد

پاسخ‌های علمی به یک بیان غیرعلمی

دکتر خدایاری فرد، در سخنرانی اخیر خود، اعلام کرده‌اند که اگر افراد در جمهوری اسلامی ایران، آزادانه دست به انتخاب حجاب یا بی‌حجابی بزنند، این برای سلامت روان شان بهتر است.

بدون اینکه بخواهم نتایج پژوهش‌های مکرر انجام گرفته در ایران را به ایشان یادآوری کنم، تلاش می‌کنم، نتایج چند پژوهش در جوامع غربی و خارج از ایران را که در آنجا هجوم علیه ارزش‌هایی چون حجاب بسیار هم بالااست، به اشتراک بگذارم.

پژوهش شماره ۱

نقش دینداری و حجاب در تصویر بدنی بهتر و احساس فشار کمتر برای دستیابی به استانداردهای زیبایی در دنیای غرب بالاترین میزان رضایت از بدن (با وجود اینکه این گروه دارای بالاترین وزن بدن در نمونه بودند) در میان دختران نوجوان مسلمان مراجعه‌کننده به مدرسه و باحجاب مشهود بود. آنها همچنین فشار کمتری برای دستیابی به استانداردهای زیبایی ایده‌آل غربی نسبت به دختران نوجوانی که شیوه لباس پوشیدن غربی را می‌پذیرند، نشان دادند. نتایج پژوهش حاکی از نقش مهم عوامل اجتماعی-فرهنگی در نگرش فرد نسبت به تصویر بدن است، اما این پرسش را در مورد نقش دین به عنوان یک عامل محافظتی در مورد نگرش بدن و ظاهر در میان زنان مسلمان باحجاب نیز باز می‌کند.

پژوهش شماره ۲

حجاب یا پوشش معمولاً توسط زنان مسلمان انجام می‌شود، اما همچنان در جامعه سکولار بحث برانگیز است. برخی از فمینیست‌های غربی استدلال می‌کنند که حجاب یک رفتار ظالمانه است که برای مثال با ایجاد افسردگی بر زنان تأثیر منفی می‌گذارد. این مقاله این فرضیه را با می‌گذارد. این مقاله این فرضیه را با یک نمونه ملی از زنان مسلمان آمریکایی آزمایش می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

پژوهش شماره ۳

حجاب زنان در فرانسه به عنوان عامل محافظ در برابر تصویر بدن، اختلالات خوردن و چند اختلال روانی دیگر با کنترل دینداری و حمایت از جانب خانواده، زنانی که حجاب نداشتند اختلاف وزن، ناراضیاتی از بدن، تمایل به لاغری، اضطراب اجتماعی، درونی کردن آرمان‌های مرتبط با لاغری و فعلاتی بدون و فشار برای رسیدن به ایده‌آل‌ها از سوی مسالان و رسانه‌ها را به میزان بسیار کمتری از دیگران (افراد غیرمجبیه) گزارش کردند. آنها همچنین تبعیض درک شده را به طور قابل توجهی بیشتر از کسانی که حجاب نداشتند گزارش کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از حجاب ممکن است یک عنصر محافظ برای زنان مسلمان فرانسوی باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با وجود تبعیض شدید علیه بانوان مسلمان در جوامع غربی لیبرال و سکولار، دینداری و حجاب، همچنان به عنوان عوامل محافظ در برابر مشکلات مرتبط با سلامت روان از قبیل افسردگی، اضطراب، تصویر بدنی منفی، اختلال خوردن و بسیاری مشکلات روانشناختی دیگر ایفای نقش می‌کنند (اجالب اینکه این پیامدهای مثبت در مقایسه با افراد بی‌حجاب مسلمان و غیرمسلمان در جوامع غربی به دست آمده است که علی‌الظاهر با اختیار خود دست به انتخاب بی‌حجابی ده‌اند.) آنگاه برخی عزیزان در داخل میهن اسلامی، درباره ارتباط بی‌حجابی اختیاری و سلامت روان سخن می‌گویند... کاش یاد بگیریم اگرداعای بیان علمی را داریم، به لزوم آن نیز اندکی یابیند باشم!

کوتاه و مختصر در جواب ادعای دکتر خدایاری فرد

دکتر احمد امامی‌زاد، استادیار پژوهش‌کده علوم اسلامی رضوی: اخیراً یکی از روانشناسان محترم مطلبی اظهار کرده‌اند و مدعی بودند که باور «علمی» به این مطلب دارند و هر جا خواستید بخش کنید!

مهم‌ترین ادعاهای ایشان در ۴ امر زیر خلاصه می‌شود:

۱- نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند از پس زن، زندگی آزادی برپایید.

۲- حجاب را نمی‌خواهم دینی ببینم و می‌خواهم از منظر روانشناسی ببینم.

۳- اگر کسی بدون حجاب باشد، این خودش است و این از نظر سلامت روان اجتماع بیشتر به نفع جامعه است.

۴- عدم حجاب اجباری را برای حفظ نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌کنم.

در جواب ایشان، به همان ترتیب ذکرشده، به صورت مختصر چند نکته و سؤال دارم:

۱- اینکه نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند از پس زن، زندگی آزادی برپاید، تجربه ثابت کرده است که به یاری امام زمان (عج) از پس بیشتر از این فتنه‌ها هم برآمده است.

۲- اینکه حجاب را دینی ببینید و فقط روانشناسی ببینید، علاوه برآنکه خود شما معتقد به روانشناسی اسلامی هستید، آیا دین از روان انسان جداست و آیا خالق روانشناسان به نکات روانشناسی آگاه نبوده که در قرآن و روایات این همه به حجاب و محجبه بودن جامعه اسلامی تأکید شده است؟!

۳- مهم‌ترین بحث روانشناسی شما این است که بدون حجاب بودن به نفع جامعه است. آیا تجارب برخی کشورهای غربی این امر را نشان می‌دهد؟!

اگر ملاک، خود بودن شخص باشد، آن وقت باید بگویید برخی از قوانین کشورها که به مذاق شخص خوش نیاید، کنار گذاشته شود!

۴- اگر این مطالب را به خاطر حفظ نظام می‌فرمایید، حفظ نظام جمهوری اسلامی به این است که قوانین اسلامی کنار گذاشته شود؟!

حال با این امر کاری ندارم که یک روانشناس متدین با این سخنان مورد سوت و تشویق مخالفان حجاب قرار می‌گیرد، اما این استاد روانشناس محترم است و منظر پاسخ سؤالات بالا از سوی ایشان خواهیم ماند!

یادداشت

عکس خراب‌کن‌ها

«عکس خراب‌کن‌ها را زیاد دیده‌ایم. در واقع صدقاً این عکس خراب‌کن‌ها برای هر عکاسی ممکن است متفاوت باشد، اما همیشه و همه عکاس‌ها با نوعی از آنها برخورد دارند. چه بسیار شاهکارهای هنری که قربانی همین عکس خراب‌کن‌ها شده‌اند. چه عکس‌های مهمی که ثبت نشده‌اند. تا جایی که شاید برای عکاس‌های مستند اجتماعی، تعداد عکس‌های نگرفته از تعداد عکس‌های گرفته شده بیشتر باشد. در جمع‌های دوستانه همیشه کسانی هستند که عکس‌های دسته‌جمعی را به نندی خراب کرده‌اند و البته خودشان را خیلی شوخ‌طبع فرض می‌کنند. کسانی که با صدای اضافه و حرکت‌های عمدی، یک «عکس گانددید» و طبیعی [عکس بی‌هوا] را نابود کرده‌اند. تصور کنید عکاسی که ساعت‌ها و حتی روزها برای دیدن و ثبت تصویری از یک پرنده، کمین کرده اما در بهترین لحظه عکاسی، صدای بی‌موقعی، پرنده ترسو را از جایش پرانده است. عکس خراب‌کن‌ها گاهی به بهانه‌های واهی جلوی فعالیت حرفه‌ای عکاس‌ها را می‌گیرند یا با رفتارها و القائات نادرست، فضای کار را دشوار می‌کنند. در عکاسی خیابانی این آدم‌ها و اتفاق‌ها بیشترند. در حالی که عکاس مدت‌ها منتظر ثبت یک تصویر جذاب بوده، یک نفر با موتور رد می‌شود و با یک ویراز و شوخی بی‌مزه که آقا عکس بگیر!»
تمرکز عکاس یا کل صحنه را به هم می‌ریزد. آدم‌هایی که با تصور غیرتخصصی و به قصد کمک، دست به تغییر ناگهانی چیدمان صحنه عکاسی می‌زنند. یک نفر می‌آید درست در مرکز دید دوربین قرار می‌گیرد و انتظار دارد عکاس به خاطر حفظ اصول اخلاقی و برای رعایت حریم خصوصی، کارش را تعطیل کند. این سوءتفاهم در حدود معنای «حریم خصوصی» هم به جای خود. در موارد نه چندان نادری، عابران و راننده‌ها، حتی از روی لجبازی بی‌مورد، با توقف جلوی دوربین یا بخش مهمی از صحنه، مانع عکاسی می‌شوند.

اگرچه شهروندان از حقوق شهروندی برخوردارند و عکاس‌ها اجازه ندارند مزاح‌م روال معمول زندگی باشند، اما یک تأمل کوچک ایبارن یا ترمز کوتاه خودرو و چند ثانیه تأخیر، می‌تواند فرصتی برای تهیه یک عکس عالی ششیر باشد که ممکن است خواسته و ناخواسته از طرف شهروندان و راننده‌ها دریغ شود. یک سرک کشیدن بی‌موقع می‌تواند تمام محاسبات و زمانبندی‌های عکاس را به هم بریزد. مردم و مأمورین، گاهی هم از سر کنجکاری، محبت و علاقه یا برای استعلامی بی‌موقع، سراغ عکاس می‌روند، یا با سؤال بیج کردنش، در بهترین لحظه‌های عکاسی، توجهات مزاحمی را جلب می‌کنند.

یک نمونه دیگر هم از این عکس خراب‌کن‌ها را می‌شود در مراکز گردشگری و بناهای تاریخی پیدا کرد. میز و صندلی‌های اضافه، تابلو و پوسترو و پلاکاردهای بزرگ در بهترین بخش تصویری بنا، پارک خودرو، تردهای اضافی، نورافکن‌های نامناسب، داربست‌های زائد و... کار را برای عکاس‌های غربیه و غیرخودی سخت می‌کند. بعضی عکاسان هم فراتر می‌گذارند و خودسرانه و در جایگاه قانونگذار، خود را محق می‌دانند که در اماکن مشمول فضای عمومی هم، تابلوی «عکاسی ممنوع» نصب کنند.



برخی از فمینیست‌های غربی استدلال می‌کنند که حجاب یک رفتار ظالمانه است که برای ایجاد افسردگی بر زنان تأثیر منفی می‌گذارد.

این مقاله این فرضیه را با یک نمونه ملی از زنان مسلمان آمریکایی آزمایش می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.

نتایج تحلیل رگرسیون فرضیه را تأیید نکرد. در واقع، زنانی که بیشتر مجبیه بودند، علائم افسردگی را کمتر و نه بیشتر گزارش کردند. به عبارت دیگر، حجاب یک عامل محافظتی در زمینه افسردگی در بین زنان، یافته‌ها متناقض می‌باشد. زنان مسلمان در هر دو سطح خرد و کلان دار.



عکس: مهر